آکروپولیس

«یانی» به‌روایت «شهرداد روحانی»

درسبک خود جزو بهترین‌هاست

سحرآزاد: شهرداد روحانی، رهبر و تنظیم‌کننده کنسرت «آکروپولیس» بود؛ کنسرتی که به یکی از پرمخاطب‌ترین آثار موسیقی دنیا تبدیل شده است. او سه‌سال با یانی همکاری داشته و در ارزیابی این دوران می‌گوید که یکی از تجربیات خویش بوده است. او یانی را یکی از موفق‌ترین افرادی می‌داند که در سبک خودش فعالیت می‌کند. به بهانه گفت‌وگو با یانی گفت‌وگویی نیز با او انجام دادیم:

■ یانی در گفت‌وگوی ما، از شما با تحسین یاد کرده است. شما چه توصیفی از دوران همکاری با او دارید؟

ما سه‌سال با هم در تورهای مختلف همکاری کردیم که یکی از تجربیات خوب من بود چون مسوولیت بزرگی برعهده داشتم. به‌غیر از رهبری ارکستر، تنظیم آهنگ‌ها و ارکستراسیون نیز برعهده من بود. همچنین در یکی از قطعاتی که در آکروپولیس اجرا شد، به‌همراه خانم کارن بیرگیر به دونوازی ویولون پرداختم درحالی که هریک از این کارها، تخصص خاص خود را می‌خواهد. معمولا اگر آهنگساز باشید لزوما نمی‌توانید رهبر ارکستر هم باشید. در کل، تجربه همکاری با یانی خوب و مفید بود و بسیار به من کمک کرد که کارم در دنیا شناخته شود. هرچند یانی هم در آن‌موقع معروف بود، ولی کنسرتی که در آکروپولیس برگزار شد، در شناخت بیشتر او نیز بسیار موثر بود.

■ این همکاری چگونه صورت گرفت؟ همدیگر را می‌شناختید و تصمیم گرفتید با هم کار کنید یا اتفاق دیگری باعث شکل‌گرفتن آشنایی‌تان شد؟

وقتی که در ایالت کالیفرنیای جنوبی در آمریکا زندگی می‌کردم، یکی از آلبوم‌های ساخته‌شده‌ام از طریق دوست مشترکی به‌دست یانی رسید. او وقتی قطعات این آلبوم را شنیده بود، از کل کار خوشش آمد و از آنجا که تصمیم داشت ملودی‌هایش با ارکستر سمفونی اجرا شود، از طریق مدیر برنامه‌هایش با من تماس گرفت و گفت که می‌خواهد ملاقاتی با من داشته باشد. من به استودیوی او رفتم و این ملاقات اولین دیدار ما بود. البته دوراندور او را می‌شناختم اما برای اولین‌بار بود که با او ملاقات می‌کردم و از همان روز اول حیلی سریع توانستیم با هم ارتباط برقرار کنیم. او کارهایش را برای تنظیم ارکستر در اختیار من قرار داد و بعد از آن تورهای زیادی را در آمریکا برگزار کردیم. یک‌سال بعد از برپایی این تورها، کنسرت آکروپولیس پیش آمد که به جرات می‌گویم آثاری که در این کنسرت ارایه شد تا آن زمان شبیه آن انجام نشده بود و بسیار تازه و نو بودند. چون المان‌های از موسیقی شرقی، کلاسیک و پاپ در این آثار استفاده شده بود. نکته جالب این است که این اثر توانسته است با مردمی که در فرهنگ‌های مختلف زندگی می‌کنند، ارتباط برقرار کند. شاید بخشی از موفقیت این کار در ایران به دلیل ارثی‌بودن من باشد. اما وقتی به نقاط دیگر دنیا سفر می‌کنم، با واکنش‌هایی مواجه می‌شوم که بسیار برایم جالب است. مثلا یک‌بار به برتیسلاوا در اسلواکی رفته و در یک فروشگاه کوچک مشغول خرید بودم. چندجوان به سراغم آمدند و پرسیدند همان کسی هستم که در کنسرت آکروپولیس حضور داشتم وقتی با پاسخ مثبت من روبه‌رو شدند، شروع به صحبت کردن و عکس گرفتند. حتی در شهرهای کوچکی بوده‌ام که فکر نمی‌کردم مردم این اثر را دیده باشند. اما آنها من را شناخته‌اند و این نشان می‌دهد موسیقی ما توانسته است اثر خود را بگذارد و به یکی از موفق‌ترین‌ها تبدیل شود.

■ شما در گفت‌وگویی به این موضوع اشاره کردید که یانی نت‌نویسی و نت‌خوانی بلد نیست. با توجه به این موضوع کارکردن با او سخت نبود؟

خود یانی هم همیشه می‌گوید که هیچ‌وقت به‌صورت آکادمیک موسیقی را یاد نگرفته و نت‌خوانی به‌صورت معمول را نیاموخته است اما توانسته روش خاصی برای خود درست کند و از این طریق، کارش می‌کند. به‌هرحال بدون نت‌خوانی هم می‌توان کار کرد همچون یانی که استعداد زیادی دارد و توانسته است ملودی‌های زیبایی بسازد که ناشی از قریحه اوست. در سبکی که او کار می‌کند، علم موسیقی خیلی لازم نیست و به همین دلیل، او قطعاتش را می‌سازد و برای تنظیم به تنظیم‌کننده می‌دهد اما تنظیم‌کردن یک اثر به علم موسیقی نیاز دارد. نوع کاریانی به ذوق و استعداد او برمی‌گردد. ضمن اینکه او از کودکی پیانو را آموخته است و اگر او از موفق‌ترین نیامیم، اما قطعا یکی از موفق‌ترین کسانی است که در آن سبک فعالیت می‌کند. موسیقی چیز عجیبی است و برای آهنگساز یا نوازنده خوب‌بودن، داشتن مدرک مهم نیست و ذوق بالای فرد است که منجر به خلق ملودی‌های خوب می‌شود. صرفا با رفتن به دانشگاه نمی‌توان کسی را آهنگساز کرد.

■ در نقد آثار یانی گفته می‌شود موسیقی او عام‌پسند است. نظر شما در این مورد چیست و اگر بخواهید آثار او را تحلیل کنید، موسیقی او را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

من می‌توانم در مورد پروژه‌ای که با یکدیگر همکاری کرده‌ایم، صحبت کنم. من در پروژه آکروپولیس رهبر و تنظیم‌کننده آهنگ‌ها بودم. موسیقی، سبک‌های مختلفی دارد و یانی در سبکی که فعالیت می‌کند، جزو بهترین‌هاست. نمی‌توان به‌صورت کلی گفت هرنوع انرژی در موسیقی سنتی، موسیقی کلاسیک غرب یا حتی موسیقی پاپ خوب یا بد است باید هر انرژی را در هر سبکی که هست به صورت جداگانه تحلیل و بررسی کرد. من در پروژه آکروپولیس با او همکاری داشتم و به جرات می‌گویم آثاری که در این کنسرت ارایه شد تا آن زمان شبیه آن انجام نشده بود و بسیار تازه و نو بودند. چون المان‌های از موسیقی شرقی، کلاسیک و پاپ در این آثار استفاده شده بود. نکته جالب این است که این اثر توانسته است با مردمی که در فرهنگ‌های مختلف زندگی می‌کنند، ارتباط برقرار کند. شاید بخشی از موفقیت این کار در ایران به دلیل ارثی‌بودن من باشد. اما وقتی به نقاط دیگر دنیا سفر می‌کنم، با واکنش‌هایی مواجه می‌شوم که بسیار برایم جالب است. مثلا یک‌بار به برتیسلاوا در اسلواکی رفته و در یک فروشگاه کوچک مشغول خرید بودم. چندجوان به سراغم آمدند و پرسیدند همان کسی هستم که در کنسرت آکروپولیس حضور داشتم وقتی با پاسخ مثبت من روبه‌رو شدند، شروع به صحبت کردن و عکس گرفتند. حتی در شهرهای کوچکی بوده‌ام که فکر نمی‌کردم مردم این اثر را دیده باشند. اما آنها من را شناخته‌اند و این نشان می‌دهد موسیقی ما توانسته است اثر خود را بگذارد و به یکی از موفق‌ترین‌ها تبدیل شود.

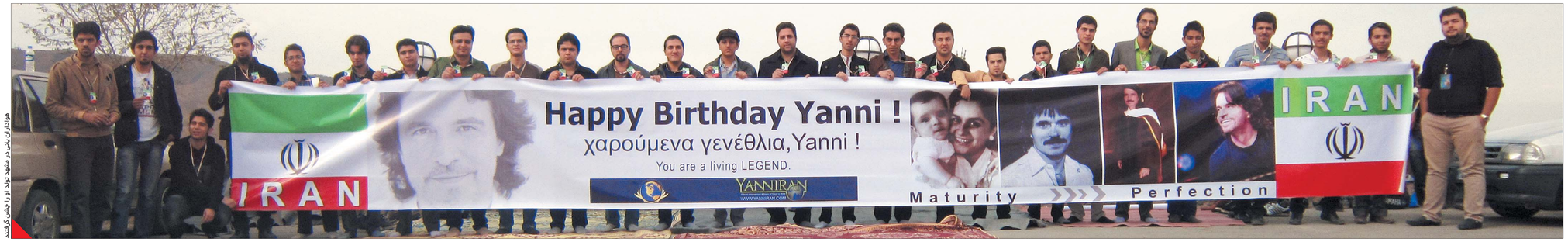

هواداران یانی در شهریور نوبل او را جشن گرفتند

«یانی» در گفت‌وگوی اختصاصی با «شرق»

دیدارِ ایرانم آرزوست

پرویز براتی

چگونه می‌توان هم به آرمان‌ها و ایده‌ها وفادار بود و هم گفت‌وگویی «فرهنگی- مالی» و «هنری- اقتصادی» با مخاطبان داشت؟ تمامی پروژه هنرمدرن از دهه ۲۰ میلادی تا به امروز به اشکال مختلف درگیر و انگشت‌به‌دهان این پرسش بوده و هست. به‌طورکلی یکی از مهم‌ترین انتقادها به موسیقی آکادمیک و نخبه‌گرای قرن بیستم همین بوده و هست. بسیاری از منتقدان و کارشناسان با طرح این پرسش به بن‌بست‌رسیدن موسیقی ارکسترال یا آکادمیک و آثار موسیقیدانان سرسالیست و پس از آن را به رخ کشیدند. مردم هم کیچ‌ومیهوت بدون توجه به مناقشات فلسفی و خرده‌ذمه‌نانه آکادمیسین‌ها، خود را با موسیقی پاپ و راک دهه‌های ۵۰ و ۶۰ و سایر مقولات سرگرم‌کننده مشغول کردند. مردم به دلایلی کاملا مشخص صدای موسیقیدانان مدرنیست را نشنیدند و برعکس، آهنگسازان مدرن هم توجهی به مردم و زندگی روزمره آنان نکردند. در این بین گروهی از نوازندگان، خوانندگان و موسیقیدانان بوده و هستند که راهی میانه را برگزیده‌اند. این مجموعه نه‌چندان بزرگ هم به نخبگان و هم به مردم عطف‌نظر دارند. «یانی کریسوسالیس» معروف به یانی، موسیقیدان، پیانیست، نوازنده کیبورد و آهنگساز اهل یونان یکی از آنهاست. عمده موفقیت وی با اجرا کنسرت آکروپولیس یونان به‌دست آمد؛ تا آنجا که به‌عنوان پربیننده‌ترین و زیباترین کنسرت موسیقی از آن یاد می‌شود و با فروش هفت‌میلیون نسخه، دومین موزیک‌ویدئو پرفروش تاریخ شد. این کنسرت در ۶۵کشور جهان پخش شد و نزدیک به یک‌میلیارد نفر آن را تماشا کردند. یانی تاکنون هزاران کنسرت در بسیاری از کشورهای جهان برگزار کرده؛ هرچند ترجیح داده است فقط شش‌کنسرت خود را در قالب ویدئو عرضه کند که این شش‌اثر عبارتند از: کنسرت یانی در آکروپولیس (۱۹۹۴)، کنسرت یانی در تالار سلطنتی آلبرت (۱۹۹۵)، شهر ممنوعه چین و تاج‌محل (۱۹۹۷)، کنسرت یانی در لاس‌وگاس آمریکا (۲۰۰۶)، صداهای یانی (۲۰۰۹) و کنسرت یانی در ال‌مورو، پورتوریکو (۲۰۱۲). آخرین کنسرت یانی در روزهای گذشته در هندوستان در شهر وادودارا برپا شد. جرفه گفت‌وگوی «شرق» با این نوازنده و آهنگساز از مدت‌ها پیش زده شد؛ با این حال طی هفته‌های اخیر شرایطی فراهم شد که او پاسخ سوال‌های ما را به شکلی نسبتا مبسوط دهد. جدا دارد از مصطفی کبیری، رییس حیات‌مدیره شرکت «طنین رویایی پارسه»- نماینده رسمی یانی در ایران - و همچنین مسوولان موسسه «تاک‌وئی» برای انجام هماهنگی‌های اولیه این گفت‌وگو قدردانی کنیم.

■ سالیانی دراز، آلبوم‌های شما در صدر پرفروش‌ترین‌های آثار موسیقایی بازار موسیقی جهان قرار داشت. چه شد فعالیت‌هایتان، به‌ویژه انتشار آلبوم‌های استودیویی، تاکهان با افت توجه و اقبال روبه‌رو شد؟

طی چهارسال گذشته، من بیشتر درگیر سفر و تورهای جهانی بودم. در بیش از ۳۰کشور اجرا داشته‌ام و حدود ۳۰۰کنسرت را در این مدت اجرا کرده‌ام. خیلی طبیعی است که در این مدت طی چندانی برای اجرا در استودیو برایم باقی نمانده بود. دی‌وی‌دی اخیر ما بیشتر به موضوع این تورها بازمی‌گردد و با عنوان «جهان بدون مرز انتشار» یافته است. این دی‌وی‌دی در شبکه تلویزیونی انتشار و همچنین به بسیاری از بازارهای جهانی راه یافته است. تنها از طریق سایت شخصی‌ام yanni.com قابل خریداری است. ما یک سی‌دی و دی‌وی‌دی اجرای زنده را سال ۲۰۱۲ منتشر کردیم که فیلم آن در سایت میرات جهانی در پورتوریکو ثبت شد. این سی‌دی و دی‌وی‌دی را سونی‌کلاسیکال منتشر کرد. جدیدترین آلبوم استودیویی ما که اینسپیرائو (Inspirato) نام دارد، دوباره در سال ۲۰۱۴ توسط سونی‌کلاسیکال انتشار جهانی یافت. آلبومی که سال‌ها طول کشید تکمیل شود. این آلبوم، شامل بزرگ‌ترین صداهای ایرانی جهان و کوبای بعاد ماندنی‌ترین آهنگسازی‌های من است. من این پروژه را دوست داشتم چون این فرصت را داشتم که با تعداد کثیری از هنرمندان نظیر پلاچیدو دومینگو (Placido Domingo)، رنه فلمینگ (Renee Flemng) و خیلی‌های دیگر همکاری داشته باشم.

■ به‌نظر می‌رسد شما ترجیح می‌دهید کنسرت‌هایتان را در فضاهای بازبزرگ یا آمفی‌تئاترها، به‌ویژه در اماکن تاریخی برگزار کنید. علت تاکید و علاقه‌تان روی این فضاها چیست؟

من هرگز خودم برپایی کنسرت‌هایم را در محیط‌های بیرونی و باز، برنامه‌ریزی نکرده‌ام. معمولا این تصمیم‌گیری را کنسرت‌گذار می‌کند؛ مثلا ممکن است گاهی شیوه اجرای ویژه‌ای برای یک‌کنسرت در نظر بگیرد و بگوید باید در محیط بیرونی و فضای باز برپا شود. در کنسرت‌های واقع در فضاهای باز و بیرونی، چالش‌های فراوانی هم وجود دارد مانند امکان بارش باران، وزیدن باد، رطوبت زیاد هوا که خیلی وقت‌ها هم تاثیری نامناسب بر خروجی صوتی که از کنسرت درمی‌آید، دارد. بعضی وقت‌ها تعدادی ابزار موسیقی خیلی قدیمی و حساس وجود دارد که شرایط آب‌وهوایی بر نوع صدا و عملکرد آنها اثر مستقیم می‌گذارد. اما وقتی داخل فضاهای بسته اجرا می‌کنیم، می‌دانیم که صدا، نور و شرایط در وضع ایده‌آل قرار دارد و ما تمرکز اصلی‌مان را بر اجرای هرچه بهتر کنسرت می‌گذاریم. در اجراهای فضای باز بیرونی، معمولا ارتباطی با یک یادمان یا رویداد ویژه تاریخی، فرهنگی و... وجود دارد که بر سرآهنگی و شخصیت اسطوره‌ای آن فضا می‌افزاید، اما در کنسرت‌های داخلی، به‌نظر می‌رسد ارتباط نزدیک‌تری با مخاطبان برقرار می‌شود. هردو نوع کنسرت دارای ویژگی‌های خارق‌العاده خود هستند و من به‌شخصه از اجرا در هر دوحمیط لذت می‌برم.

■ گفته می‌شود شما همواره کسی را استخدام می‌کنید که ملودی می‌نویسد و آن را برای ارکستر تنظیم می‌کند. در حالی که آهنگساز به کسی می‌گویند که هم بتواند ملودی بنویسد و هم بتواند برای سازهای دیگر تنظیم و ارکستراسیون کند. به این شخص آهنگساز می‌گویند. این موضوع صحت دارد؟

همان‌طور که داشتم بزرگ می‌شدم و یاد می‌گرفتم پیانو بنوازم و آهنگسازی کنم، هرگز موسیقی را به صورت رسمی نیاموختم. در حقیقت ثبت این رکورد که چه آهنگی تنظیم کرده‌ام و با دستخط خودم نوشته‌ام یا آن را روی یک‌برگه کاغذ یا جایی یادداشت کرده‌ام، برایم اهمیت زیادی دارد. این برایم یک قرار شده که همیشه موسیقی را اینگونه یادداشت کنم. این موضوع اتفاقا برای من خیلی کارآمد و آسان بوده که به دستخط خودم نوشته‌های منحصربه‌فردم را بنویسم. من وقتی که شروع به نواختن با ارکستر ارکستراکار آشنا شدم. آنها موسیقی من را می‌نوشتند.

> من از اینکه تحت‌تاثیر منتقدان قرار گیرم، همواره گریزانم. من آهنگساز هستم و موسیقی کار می‌کنم. برای مخاطبانم در زمینه موسیقی و آنچه از قلب و روحم برمی‌آید، کار و اجرا می‌کنم. اگر موسیقی من بتواند با مردم ارتباط برقرار کند و آنها لذت ببرند و از تمام یا بخشی از کارم مشعوف شوند

■ برخی منتقدان، شما را به‌دلیل سبک متداولتان در موسیقی و شهرتتان بین عموم سرزنش می‌کنند. نظرتان در این خصوص چیست؟

من از اینکه تحت‌تاثیر منتقدان قرار گیرم، همواره گریزانم. من آهنگساز هستم و موسیقی کار می‌کنم. برای مخاطبانم در زمینه موسیقی و آنچه که از قلب و روحم برمی‌آید، کار و اجرا می‌کنم. اگر موسیقی من بتواند با مردم ارتباط برقرار کند و آنها لذت ببرند و از تمام یا بخشی از کارم مشعوف شوند، آن وقت بسیار شادمان خواهم بود. برای من بسیار لذت‌بخش است بدانم که توانسته‌ام از طریق موسیقی با مردم جهان ارتباط برقرار کنم.

■ اهداف‌تان در زمینه موسیقی چیست؟ با اجرای موسیقی چه چیزی را دنبال می‌کنید؟

اهداف من در عالم موسیقی برای نواختن و آهنگسازی، این است که همواره آماده آموختن و آموختن مداوم باشم. از اینکه چقدر توانسته‌ام راجع‌به زندگی و موسیقی یاد بگیرم و با رشد کردنم بتوانم از نظر فکری بزرگ‌تر شوم، متعجب و شگفت‌زده هستم. همواره به سفرهایم و نواختن در سرتاسر جهان ادامه خواهم داد؛ مادامی که مردم خواهان آن باشند که تجربیاتم را با آنها تقسیم کنم. اهداف اصلی من هرگز خیلی خاص و ویژه و در عین‌حال هرکز هم مطلق نبوده‌اند تا بتوانم با موسیقی برای ده‌ها یا مردم و در ذهن آنها باقی بمانم.

■ برای بسیاری از ایرانی‌ها نام شما یادآور کنسرت معروف‌تان در آکروپولیس یونان است که با رهبری شهرداد روحانی روی صحنه رفتید. همکاری‌تان با شهرداد روحانی چگونه تجربه‌ای بود؟

شهرداد برای من هنرمندی اصیل و خارق‌العاده بود که توانستم با او همکاری داشته باشم. همکاری با او را در اجرای ارکستر آکروپولیس در سال ۱۹۹۳ همواره ستوده‌ام و به آن ارج می‌گذارم. به من گفته شده براساس توزیع تلویزیونی این اجرا و اجراهای ویدئویی و دی‌وی‌دی مربوط به کنسرت زنده آکروپولیس، رسما صداهامیلیون‌نفر از مردم جهان طی ۳۰سال اخیر این کار را تماشا کرده‌اند. شهرداد عضو بسیار برجسته‌ای از این تیم بود و نقشی مهم در برجسته‌شدن این اثر و موفقیت شگفت‌انگیز آن برعهده داشت.

■ شما در مجموع چقدر راجع‌به ایران مثل تاریخ، هنرمندان این کشور، موسیقیدان‌ها آن و... می‌دانید؟

آشنایی نزدیک با ایران همزمان با بزرگ‌شدنم در یونان همراه بود. فرهنگ و تاریخ این کشور همواره بخشی از آموزش درسی و در نتیجه بخشی از زندگی ما بوده است. من هرگز نتوانستم به ایران بیایم و خیلی امیدوارم به‌زودی بتوانم این کشور را ببینم. یکی از بزرگ‌ترین آرزوهای من سرفکردن و یادگیری بیشتر راجع‌به فرهنگ‌ها و ملت‌هاست. خیلی مشتاق هستم ایران را ببینم و بیشتر درباره این کشور و مردم دوست‌داشتنی‌اش بدانم.

■ راجع‌به مردمی که به موسیقی شما گوش می‌دهند، به‌ویژه در کشورهای شرقی، چگونه فکر می‌کنید؟

مایه مباهاتم است که مردم به موسیقی من گوش می‌دهند. همواره در برابر این نکته که گفته می‌شود موسیقی من توانسته بر زندگی مردم اثر بگذارد، سر تعظیم فرو آورده‌ام. در واقع هرگاه صحبت از مردمان ساکن در کشورهای شرقی می‌شود، احساس می‌کنم ارتباطی نزدیک بین من و آنها، خصوصا مردم خاورمیانه و ایران وجود دارد.

■ گفته‌اید از شهرداد روحانی، هرگز شد تصمیم بگیرید با دیگر موسیقیدان‌های ایرانی همکاری کنید؟

مهم‌ترین همکاری و مشارکت من با شهرداد روحانی بوده. ما با هم در کنسرت آکروپولیس همکار نزدیکی داشتیم و پس از آن هم در بخش‌های دیگر جهان با هم روابط خوبی را حفظ کرده‌ایم. من بدون تردید آماده کسب تجربیات مشابه هستم.

■ ما شما را به‌عنوان یک ستاره موسیقی یونانی می‌شناسیم. موقعیت بحرانی یونان را در این روزها (در منطقه اروپا) چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آینده را چطور می‌بینید؟

در یونان همواره در تمامی مستقیم با خانواده و دوستانم هستم. زیاد به یونان سفر می‌کنم و تا جایی که بشود، هموطنانم را می‌بینم. من مطمئنم این دوران آشفته، مدیریت خواهد شد و مردم یونان با موفقیت آن را طی خواهند کرد. مردم یونان از اولین مردمان این سیاره هستند. آنها خیلی مقاومند و در طول تاریخ به‌راحتی خیلی از جالش‌های مشابه را از سر گذرانده‌اند. من به یونان باور دارم.

■ عموما موسیقی شما را نیوایج (New Age) و موسیقی کلاسیک معاصر می‌دانند. با این تعریف از کار خود موافقید؟

من این‌روزها بهترین زمان عمرم را پشت‌سر می‌گذارم و فکر می‌کنم بهترین دوره در تمام دوران کاری‌ام باشد. اخیرا به بخش‌هایی از این سیاره سفرهایی کرده و برای مخاطبانی جدید در سرتاسر جهان آهنگسازی کرده‌ام. موسیقی توانایی منحصربه‌فردی در ایجاد ارتباط با مردم نواحی مختلف و جغرافیای گوناگون و اعتقادات متنوع دارد. چون هیچ متن یا کلمه‌ای برای محدودکردن ادراک، استباط و تفسیر ابزار موسیقایی وجود ندارد. از این‌رو ترجیح می‌دهم موسیقی‌ام را «موسیقی‌سازی معاصر» نامیم تا نیوایج. من عاشق این هستم که موسیقی چقدر می‌تواند به‌طور مشابه بر مردم همه جای جهان اثر بگذارد. برای من، آینده این نوع موسیقی به‌سرعت در حال رشد است.

■ از چندسال پیش، مدام شنیده‌ایم شما تصمیم به اجرای کنسرت زنده در ایران دارید. چرا این کنسرت‌ها لغو شد؟

من عاشق اجرا در ایران هستم و اینکه راجع‌به فرهنگ و مردم آنجا از نزدیک چیزهای جدیدی یاد بگیرم. خیلی زیادی راجع‌به اجرای کنسرت در ایران طی سال‌های اخیر وجود داشت، اما هیچ‌یک از آنها محقق نشد.

■ با این حال، آیا یانی را در آینده نزدیک در ایران برای اجرای موسیقی زنده خواهیم دید؟!

خاصه‌اند امیدوارم این شانس را داشته باشم که ایران را ببینم و در این کشور اجرا داشته باشم. این هدف، نیازمند برنامه‌ریزی و مشارکت متقابل جناح‌ها و بخش‌های مختلف است. من کاملا امیدوارم در زمانی مناسب و با شرایطی خوب در ایران کنسرت برگزار کنم. حتی ممکن است در آینده نزدیک این اتفاق بیفتد.

■ امکانش هست راجع‌به برنامه‌های پیش‌روی خود برای ما بگویید؟

ما اخیرا به هند سفر و در تاریخ ۲۳ژانویه کنسرتی را در «واودارا» در استان احمدآباد برپا کردیم. این کنسرت بخشی از جشنواره هنر و فرهنگ «دوفاست» بود. برنامه بعدی ما مربوط به چین می‌شود که در ماه مارس اجرا می‌شود. به‌جز آن، منتظر دریافت پاسخ از سوی تیم‌مان هستم که ببینیم چه برنامه‌های دیگری داریم. اما مطمئنا به سفر و اجرا در دور دنیا ادامه خواهم داد.

■ می‌دانید که هواداران زیادی در ایران دارید. چه صحبتی خطاب به آنها دارید؟

من وافقا توسط مردم ایران خوب درک می‌شوم و ارتباط خوبی بین ما از نظر حسی برقرار است. ما طرفداران زیادی در ایران داریم که در طول سفرها و تورهایمان در سرتاسر جهان آنها را ملاقات کرده‌ام. حمایت و احساسات آنها را می‌ستایم و آرزومندم روزی برسد که ما در ایران هم اجرا داشته باشیم و از نزدیک با هم دیدار کنیم.

عکس: Silvia Richetto

جشن زندگی

ازسواحل مدیترانه

امیر محقق: یانی سال ۱۹۵۴ در کالاماته یونان، در سواحل مدیترانه به‌دنیا آمد و دومین فرزند خانواده‌اش شد. خانواده او که علاقه بی‌انتهایی به موسیقی داشتند، اکثر زمان خود را در کنار هم در حال آوازخواندن و ساززدن می‌گذراندند.

خانواده یانی، یک زندگی یونانی معمول را برای او در کودکی فراهم کردند. او با ماهیگیری، شنا و مدرسه‌رفتن اوقات خود را سپری می‌کرد. اما در این بین یک استثنا وجود داشت؛ او به دنیا آمده بود تا یک آهنگساز باشد.

او نواختن پیانو را از شش‌سالگی آغاز کرد اما دوست نداشت که به‌طور کلاسیک، به او پیانوزدن را درس بدهند. او در کودکی، موسیقی را در ذهن خود می‌شنید و دوست داشت این موسیقی از پیانو هم بیرون بیاید برای همین، نیاز داشت تا پیانوزدن را فرا گیرد. او احساس می‌کرد آزادی مطلقی که با کلیدهای پیانو دارد، ممکن است زیر بار درس‌های چارچوب‌بندی‌شده از بین برود.

اما به نیست بدانید که موسیقی تنها استعداد یانی نیست. او در سال ۱۹۶۹ در ۱۴سالگی رکورد ملی شنای یونان در بخش ۵۰متر آزاد مردان را بهبود بخشید. هرچند او می‌توانست از این توانایی‌اش نیز بهره ببرد، اما تصمیم گرفت راه دیگری را در پیش بگیرد؛ راهی که سرانجام باعث شد تا استعداد موسیقایی‌اش را با دنیا به اشتراک بگذارد.

سال ۱۹۷۲ برخلاف میل خانواده‌اش، یونان را ترک کرد تا در دانشگاه مینیوستای آمریکا در رشته روانشناسی تحصیل کند. بعد از فارغ‌التحصیلی تصمیم گرفت یک‌سال از زندگی‌اش را صدرصد وقف موسیقی کند تا انگیزه‌های هنری‌اش که از کودکی با او بود را بهتر درک کند.

پس از آنکه در دوره‌ای برای گروه راک‌اند رول محلی «سوسمار» (Chameleon) کیبورد زد و با آن بند، به تورهای مختلفی در آمریکا رفت. تجربه‌اش با کیبوردهای الکترونیک را به کار گرفت و شروع به ساخت آهنگ‌های خودش کرد. عنوان اولین آلبوم او «Optimystique» هم اولین آلبوم مستقل او بود که سال ۱۹۸۴ منتشر شد. در دوره سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰، دوآلبوم دیگر ساخت و قبل از کوچ به هالیوود که در آن برای چهارفیلم آهنگ ساخت، کار روی آلبوم سومش را هم شروع کرد.

سال ۱۹۹۰، ارکستر سمفونی دالاس، یانی را در کنسرتی هم‌راهی کرد و بُعد جدیدی را به سبک یگانه موسیقی او بخشید و مقدمه‌ای برای کارهای آینده او شد.

آلبوم‌های بعدی او، «جشن‌گرفتن زندگی» در سال ۹۱، «جرات کن و رویا بباف» در ۹۲ و «در زمان من» سال ۹۳ منتشر شدند و در هرکدام از این سه‌سال، یانی را راهی تور موسیقی کردند. برای «جرات کن و رویا بباف» و «در زمان من» نامزد گرمی شد و قطعات پیانواش بیش از یک‌میلیون کپی فروش پیدا کرد. او اعضای گروهی که در تورهایش همراه او بودند را شخصا انتخاب می‌کرد و سال‌به‌سال در سال‌های بزرگ و در حضور تماشاچی‌های بیشتر کنسرت اجرا می‌کرد.

سال ۹۳ او تورهای جهان‌اش را شروع و موسیقی‌اش را در سال‌های معروفی همچون معبد توجی در کیوتوی ژاپن، سالن رویال آلبرت در لندن و آکروپولیس در زاده‌گاهش یونان به مخاطبانش عرضه کرد.

کنسرتش در آکروپولیس یونان به نقطه‌عطفی در کارنامه‌اش بدل شد که پس از پخش‌شدن از تلویزیون آمریکا و شهرشدن، به جایگاهی رسید که حالا حدود نیم‌میلیاردنفر در ۶۵کشور جهان این کنسرت را تماشا کرده‌اند. آلبوم این کنسرت بیش از هفت‌میلیون و ویدئو آن بیش از یک‌میلیون‌بار به فروش رفته و تبدیل به یکی از پرفروش‌ترین ویدئوهای تاریخ شده است. او در تاج‌محل در هند و شهر ممنوعه در چین دواجرای بی‌نظیر داشته است و آلبوم «ستایش» (Tribute) او که سال ۹۷ انتشار یافت، با الهام از این دومحل، آهنگ‌هایش ساخته شده بود.

آلبوم استودیویی او به نام «اکمر می‌توانستم به تو بگویم» نیز در سال ۲۰۰۰ بیرون آمد که برگرفته از تغییرات زندگی او بود. سال ۲۰۰۳ هم سالی بود که آلبوم‌سیزدهم او «اصالت» منتشر شد که تغییر سبک او و حضور سازهای بدیعی در گروه او را در آن شاهد بودیم. او به همراه ریک ویک، تهیه‌کننده و آهنگ‌نویس برنده گرمی و اسکار شرکتی با عنوان «Yanni- Ric Wake» را اداره می‌کند که به پروش استعدادهای جوان موسیقی در آن می‌پردازند.

تور Yanni Voices در سال ۲۰۰۹ و کنسرت El Morro در سال ۲۰۱۱ هم از کارهای قابل‌توجه اوست که در آن سعی کرده استعدادهای جوانی به‌ویژه در حوزه آواز و خوانندگی، به جهانیان معرفی کند.

عکس: سایت رسمی یانی

«حمیدرضا دبیازر»، آهنگساز:

سرباز موسیقی هستم

زهره زمانی: حمیدرضا دبیازر در ساخت موسیقی فیلم و آهنگسازی، سبک و امضای خود را دارد. کارهایش در بسیاری از برنامه‌های صداوسیما به‌عنوان موسیقی تیتراژ و میان‌برنامه‌های جذاب پخش می‌شود بدون آنکه ذکری از نام آهنگسازش شود. او رهبر و بنیانگذار گروه موسیقی فوژان است و تاکنون با این گروه آلبوم‌های جزیره پرواز (۱۳۷۸) و یوم (۱۳۹۲) را منتشر کرده است. دبیازر معلم موسیقی هم هست و بسیاری از موزیسین‌های مطرح و موفق این‌روزها شاگردان کلاس‌های خصوصی و دانشگاه او بوده‌اند. خود او در دانشگاه نزد استادان برجسته‌ای چون شریف لطفی، مهربانو توفیق و احمد پژمان موسیقی آموخت و همچنین در مرستر کلاس‌های رهبری ایرج صهبایی، آهنگسازی و رهبری کریستین داوید حضور داشته است. امسال او و جمعی از دوستانش مراسمی برای تجلیل استادشان، احمد پژمان برگزار کردند که نشان از حق‌شناسی این هنرمند به استادش داشت. دبیازر سبک شخصی خود را با ترکیبی از انواع موسیقی و با استفاده از سازهای الکترونیک و آکوستیک ایرانی و غیرایرانی (به‌عنوان مولد صوت) ایجاد کرده و افتخاراتی چون مقام اول آهنگسازی در فستیوال فرهنگی مهر (۱۳۸۰) و جایزه مسابقه آهنگسازی ورزش و آواز کمیته بین‌المللی المپیک (المپیک ۲۰۰۸ پکن) در کارنامه‌اش دیده می‌شود. دبیازر برای چند فیلم هم موسیقی ساخته و از او آثار بسیاری نیز منتشر شده است. اخیرا دبیازر به‌عنوان رییس دانشکده موسیقی دانشگاه هنر منصوب شد. این گفت‌وگو به این بهانه و همچنین آلبوم «یوم» انجام شده است.

■ شما بیشتر از یک‌سال‌ونیم پیش آلبوم «یوم» را منتشر کردید. این آلبوم از جانب مخاطبان جدی موسیقی مورد استقبال قرار گرفت و هرچه بیشتر زمان گذشت بهتر و بیشتر شنیده شد. اتفاقا ماهیت این کارهم طوری بود که باید زمان می‌گذشت و شنیده می‌شد و بعد درباره آن صحبت می‌کردیم. بگذارید از یک نکته حاشیه‌ای شروع کنم. آیا از پخش آلبوم یوم راضی هستید و حرف‌هایش به گوش کسانی که می‌خواستید رسید؟

خوشحالم که به گوش خیلی‌ها رسید و بازخوردها هم نشان می‌دهد خیلی‌ها نه‌تنها از من شنیدند بلکه هرکسانی هم که دوند و کدهایی از آن دراوردند که برای خودم هم خیلی جالب و لذت‌بخش است.

■ فکر می‌کنید چقدر وقت لازم است و چقدر یک آهنگساز باید صبوری کند که یک اثر اینچنینی در جامعه جا بیفتد؟

بستگی به این دارد که تعریفتان از اهافادگی چه باشد؟ اینکه هرروز گوش داده شود؟ کاهی کسی است اثری را دو یا سه‌سال یک‌بار بشنوید و در ذهن شما جاافتاده باشد و وقتی وارد آن لحظه شنیداری می‌شویم ارتباط با اثر بسیار عمیق است و گاهی ممکن است هرروز آن را بشنوید، بنابر عادت یا عادات و این معنایش جاافتادگی نیست. اگر مبنای جاافتادگی را بر یک ارتباط عمیق و انسانی بگذاریم آن بازخوردهایی که من گرفتم نشان‌دهنده این است که این موسیقی در ذهن بعضی‌ها جا باز کرده و ترجیح می‌دهم آثارم جای خودشان را باز کنند تا اینکه بخواهند صرفا جا بیفتند.

■ چه تبلیغاتی را برای بهترشناخته‌شدن یوم انجام دادید؟

تبلیغ خاصی برای آن نکردیم. همین‌که یک آلبوم بی‌کلام به ناخودآگاه بین پس‌زمینه‌هاست که دنبال یک روایت کنسرتی توام با تصویر برایش هستیم ولی در شکل اولیه تجلی‌اش یک زایش صوتی بوده.

■ بعد از یوم چه اتفاقاتی افتاد و چه کارهایی انجام دادید؟

من هفته‌ای دوروز استودیو می‌روم و در این دوروز مشغول کار روی آثارم هستم. بعد از یوم آلبوم جزیره پرواز را مجددا در دست کرفتم و با توجه به مبانی فکری‌ای که آن را به یوم متصل می‌کرد و اینکه سوژه هر دوصلح بود، از زوایای مختلف و با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژی و افزایش مهارت‌های گروه فوژان در نوازندگی، این آلبوم را بازبروری کردم و برخی ایده‌ها را بدون اینکه به ساختار و اصالت اثر دست بخورد به آن انتقال